

چالش ها و مسایل فرا روی شهرداری ها در نیل به جایگاه نهاد اجتماعی شهرداری ها

محمد جواد شریفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

چکیده

شهرداری در چند سال اخیر با درک ضرورت تغییر ساختار و رویکرد در مدیریت شهری، توجه به مباحث اجتماعی و فرهنگی را در دستور کار جدی خود قرار داده است. ازاینرو افزایش کیفیت زندگی شهری به همراه پررنگ شدن نقش اجتماعات محلی و همچنین تبدیل شدن شهرنشینان به شهروندان فعال و ایجاد شهر انسانی تر و انسان شهری تر، از مزایای اتخاذ رویکردهای اجتماعی شهرداری میباشد. رویکرد اجتماعی شهرداری در جهت حل مسائل و مشکلات عدیده شهر و شهروندان و همچنین توجه بیشتر به نیازهای معنوی و انسانی شهروندان نیازمند ساختارسازی، ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش سرمایه اجتماعی است. ازاینرو مسئله این تحقیق شناخت وضع موجود شهرداری، ترسیم وضع مطلوب به عنوان نهادی اجتماعی و در نهایت ارائه راهبردهای مدیریتی ارتقاء جایگاه شهرداری به نهادی اجتماعی است.

واژگان کلیدی

نهاد اجتماعی، مدیریت شهری، چالش ها

۱. شهردار زاهدشهر، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش توسعه شهرها و روستاها.

مقدمه

یکی از اصلیتین موانع فراروی مدیریت شهری بخصوص در کلان شهرها چند پارگی مدیریت شهری در عرصه سیاستگذاری، تصمیم سازی، برنامه ریزی، هدایت و نظارت است. شهر سیستمی باز است که ساختارهای این سیستم هر کدام دارای کارکردهای خاص خود است. این عملکردها و کارکردها در پیوستگی زمانی و مکانی فضایی در حال تغییر و تحول و همچنین در حال باز تولیداند ولی بایستی توجه شود کل سیستم شهر چیزی فراتر از تمام اجزاء، ساختارها، کارکرد و عملکردهای آن است، یعنی اگر ساختارها و عملکردهای یک شهر از هم منفک و تجزیه شوند، پیوند دوباره آنها دیگر شمایل سیستم شهر را ندارد.

بی شک نتیجه این چندپارگی و یا اختلالات و پارازیت های شهری، معضلات پیچیده شهری از جمله ترافیک، اسکان شهری و ... است که میتوان با قطعیت عنوان کرد، مشکلات و معضلات شهری در صورت یکپارچگی مدیریت به حداقل میزان میرسد. طرح مدیریت واحدشهری از جمله مباحثی است که در برنامه سوم به آن اشاره می شود. طبق مستندات در ماده ۱۳۶ برنامه سوم، به دولت اجازه داده شد با توجه به تواناییهای شهرداریها، آن گروه از تصدی های مربوط به دستگاههای اجرائی در رابطه با مدیریت شهری را که ضروری تشخیص می دهد، براساس پیشنهاد مشترک وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور همراه با منابع تأمین اعتبار ذیربط به شهرداریها واگذار کند.

امروزه شهرداریها برای مقابله با مسائل و مشکلات عدیده ناشی از تحولات شتابان و پردامنه درونی و بیرونی، باچالشها و مشکلات فراوانی مواجه هستند و برای مقابله با آنها در اولویت اول، نیازمند مدیریت کارآمد و پویایی هستند که توان تنظیم و کنترل سازمان خود را در چنین محیطی داشته باشد. مدیریت کارآمد و پویا در شهرداریها زمانی تحقق خواهد یافت که این سازمان به صورت عضوی لاینفک از پیکر نظام اجتماعی کل نهادینه شود. از آنجاییکه سرعت تغییر و تحولات در همه شهرها یکسان نیست و همه شهرها به یکسان در معرض آن قرار ندارند و اینکه هر شهری به تناسب کارکردهای خود در عرصه ملی و جهانی و پیشینه تمدنی و تاریخی از هویت مستقلی نیز برخوردار است، لذا الگوی یکسان ملی برای اداره شهرها و تجویز سیاستهای شهری از بالا به پایین بدون مشارکت عاملان شهرها کارساز نیست و قادر نخواهد بود چالشهای فراروی مدیریت شهرها را مرتفع نماید. این مقاله با بررسی وضع موجود شهرداریها در ایران با رویکرد سیستمی به ارائه راهکارهایی برای ارتقای جایگاه شهرداریها به مثابه یک نهاد اجتماعی پرداخته است.

مبانی نظری

چالشها و مسائل فراروی شهرداریها در نیل به جایگاه نهاد اجتماعی شهرداریها در ایران با مسائل و مشکلاتی به صورت سنتی روبه رو هستند که بیتأثیر از بافت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اداری سازمانهای ایرانی نیستند.

افزون بر این مسائل، برخی از مهمترین چالشها و مسائلی را که امروزه به طور خاص فراروی شهرداریها قرار دارند، میتوان در سه مقوله به شرحی که در زیر خواهد آمد، دسته بندی کرد؛ چالشها و مسائلی که از یکسو ضرورت تبدیل شدن به نهادی اجتماعی و مشارکتجو را مطرح کرده و از سوی دیگر موانعی را در نیل به این هدف به وجود آورده اند.

تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی چند قرن اخیر و سرعت روند و دامنه این تحولات موجب شده اند تا شهرنشینی و شهرگرایی به عنوان دو پدیده بسیار مهم مورد توجه صاحب نظران مطالعات شهری قرار گیرند. برخی برآنند که دامنه شهرنشینی به گونه ای رو به گسترش است که در آینده، حیات اجتماعی دیگری به جز آن قابل تصور نیست و بنابراین مطالعات شهری نیز معنی نخواهد داشت؛ زیرا همه جا را شهر در بر گرفته است و ازاینرو هر مطالعه ای درباره پدیده های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بهنجار در شهر و درباره شهر خواهد بود.

بررسی روند رشد جمعیت شهرها نشان می دهد که آهنگ شهرنشینی به مراتب سریعتر از آهنگ توسعه اقتصادی و رشد فرهنگ اجتماعی بوده، به طوریکه خود این پدیده سبب بروز و سپس تشدید مشکلات شهری شده است. در اثر افزایش و تراکم جمعیت و هسته ای شدن خانوارها، تقاضای مسکن افزایش یافته و این امر، نابسامانی های اجتماعی فراوانی را در زندگی شهری و آپارتمان نشینی به همراه آورده است و همین موجب تغییر در ابعاد کالبدی شهر و نابسامانی آن شده است؛ چراکه مدیران شهری از یکسو توان کنترل پویایی ها و تحرکات جمعیتی را نداشته و ساخت وسازها بدون برنامه صورت گرفته و از سوی دیگر وسوسه کسب درآمد از این تقاضای رو به تزاید، مانع از پیشبرد برنامه ها و سیاستهای اصولی در سطح شهرها شده است. گفتنی است که مشکلات شهرها، ناشی از رشد و گسترش پدیده شهرنشینی نیست، بلکه نبود توازن رشد شهرنشینی به موازات توسعه اقتصادی و اجتماعی است که مشکل ساز میشود. با توجه به تداوم چنین روندی، یکی از چالشهای بزرگ شهرها به ویژه شهرهای بزرگ، گرایش تحرکات جمعیتی و مهاجرت مردم به سوی آنها است که اغلب به منظور کار و شغل، برخورداری از خدمات آموزشی و درمانی و به طور کلی زندگی مرفه تر صورت می پذیرد. رشد جمعیت شهرها، تقاضا برای انواع کالاها و خدمات را افزایش می دهد. برخی بر این باورند که میان رشد شهرنشینی و رشد مصرف گرایی رابطه مستقیمی برقرار است؛ به ویژه در ایران که روند مدرنیزاسیون موجب رکود تولید کشاورزی در روستا و جذب روستاییان به شهرها برای جست و جوی کار و زندگی بهتر شده و این روند پس از اصلاحات ارضی در ایران شتاب چشم گیری داشته است و پیامد آن از یکسو افزایش تقاضا برای مصرف کالاها و خدمات عمومی شهری و از سوی دیگر افزایش مشکلات شهرها در زمینه ارائه این خدمات به دلیل نبود برنامه ریزی و توان و امکانات لازم است.

مفهوم نهاد اجتماعی

نهاد اجتماعی ترجمه ایست از کلمه انگلیسی Social Institution که در مواردی آن را به مؤسسه یا سازمان اجتماعی نیز ترجمه کرده اند. در زبانهای اروپایی کلمه Institution از ریشه یونانی Instituler بدست آمده که

مفهوم آن برقرار کردن، ساختن و ثابت کردن است. در زبان فرانسه این کلمه به معنی ارگانیزم یا نوعی سازمان اجتماعی است که بطور کلی از نظر قانونی دارای ویژگی هایی است.

تعریف نهاد اجتماعی

نهاد Institution را معمولاً نظامی از تشکیلات ارزشها، شیوه های قومی، آداب و رسوم و قوانین می دانند که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکردهای اساسی در یک جامعه است. هرگاه بخواهیم تعریف مدونی از نهاد بدست دهیم می توانیم بگوئیم که: نهاد عبارتست از نظام سازمان یافته ای از روابط اجتماعی که در برگیرنده ی برخی از ارزش ها و فرآیندهای مشترک است و برای پاسخگویی به برخی از نیازهای اساسی جامعه بوجود آمده است. در جامعه شناسی نهاد اجتماعی مبین واقعیتی است که در جامعه ساخته و یا استقرار یافته است. نهاد اجتماعی شیوه های فعالیت اجتماعی است که اکثریت اعضای یک جامعه معین از آنها پیروی می کنند.

همه شیوه های رفتار نهادها به وسیله ضمانت های اجرایی نیرومند، حمایت میشوند. از آنجایی که نهادها تشکیل دهنده شالوده جوامع اند شیوه های ثابت رفتار را که در طول زمان پایدار هستند، عرضه می کنند. در یک تعریف دقیقتر جامعه شناسان معتقدند نهادها، فرمهای استحکام یافته ای از رفتارها هستند که در کنترل اجتماعی و نیازهای بنیادین اجتماعی به کار گرفته میشوند. همچنین ترکیبی هستند از مدل های رفتاری برای برآوردن نیازهای اساسی گروه و یا ترکیبی از مدل های فرهنگی که نقش اصلی را در روابط اجتماعی ایفا می کنند بنابراین نهادها، اجتماعی فرمهای استقرار یافته ای هستند که بر فرد تقدم زمانی دارند و گاهی انسانها حتی از اصل آنها بی اطلاع اند، بدین معنی که نهادها در روند تکاملی جامعه پدیدار گشته و ساخته و پرداخته جامعه هستند.

انواع نهادها

۱- نهادهای اصلی یا نخستین؛ که برای رفع حاجت های حیاتی انسان و بقای جامعه ضروری اند. در چنین نهادهایی اعضای جدید جامعه تولد یافته، تربیت شده و ضروریات حیات زندگی برقرار و حفظ میگردد. در نهادهای اصلی سیستم های هنجارمند جامعه وظایف فوق را به خوبی بر عهده میگیرند. مبنای پیدایش نهادهای اصلی جامعه را پنج کارکرد تشکیل میدهند که عبارتند از:

الف) تولید نسل و تعیین خویشاوند

ب) تربیت اعضای جدید و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر

ج) تولید و توزیع کالاها و خدمات

د) تدارک برای استفاده مشروع از قدرت برای استقرار نظام اجتماعی

ه) رابطه انسان با ماورای طبیعت

هر یک از این نهادها شیوه منطقی برای برآوردن یک نیاز عمومی جامعه است. نهادها با ساختها، روابط، هنجارها و

شیوههای رفتاری خاص خود ضمن برآوردن این نیازها به ایجاد و حفظ نظم و ثبات اجتماعی مدد می‌رساند. نهادهایی که این وظایف را به عهده دارند عبارتند از:

الف) خانواده

ب) آموزش و پرورش

ج) اقتصاد

د) حکومت

ه) دین

هر نهاد اجتماعی دارای یک سری کارکرد، پایگاه و نهاد فرعی است؛ برای مثال نهاد اجتماعی دین از نظر جامعه شناسان دارای کارکردهای ایمان، آرامش ذهن و روحیه کاری و پایگاهش در روحانیون، کشیش ها و راهبه ها است. نهادهای فرعی ای که زیر مجموعه نهاد اجتماعی دین هستند به عنوان مثال فرقه ها، اوقاف، نماز جمعه ها و ... می باشند. مظاهر خارجی نهاد دین هم مکانهایی چون مسجدها، کلیساها و زیارتگاه ها هستند. همچنین نهاد اجتماعی آموزش و پرورش دارای کارکردهایی چون آموزش، اجتماعی کردن و شناخت می باشد، این نهاد پایگاهی چون معلم، محصل، مدرسه، دانشکده و ... دارد. نهادهای فرعی آموزش و پرورش شورای مدرسه، برنامه درسی، انتشارات و ... بوده و مظاهر خارجی آن دانشکده، کتاب، مدرک و ... هستند.

۲ - نهادهای فرعی و موقتی؛ که نهادهای عام و دوّمین نیز نامیده میشوند و به نیازهای درجه دوم انسان پاسخ میدهند لذا عمومیت و ضرورت جهانی ندارند، مانند نهاد تجاری، تفریحی و ورزشی و... داز آنجا که این نهادها از شاخه های نهادهای نخستین به شمار میروند، به نهادهای ثانوی یا دومین معروفند و چون بر حسب نیاز جوامع به وجود می آیند، با گسترش جوامع گستردهتر و فراوانتر خواهند شد.

در جوامع ساده و کوچک و همچنین جوامع اولیه و ابتدایی نیازی به تعدد نهادها نیست زیرا خانواده در این نوع جوامع به تنهایی حائز نقشهای بسیار گوناگونی بوده است، هم نقش نسبی یعنی تولید مثل را بر عهده داشت و هم انتقال دهنده میراث فرهنگی به نسل بعد و هم دارای ابعاد نظامی، سیاسی و حتّی دینی بود اما با پیشرفت جوامع، بسیاری از نقشهای خانواده همچون تربیت و یا آموزش دینی بر عهده سایر نهادها قرار گرفت. در جامعه پیشرفته، تنوع نهادها به گونه ای است که بین سطوح و ارکان جامعه، موجب تمایز کارکردی شده است.

مسایل و مشکلات شهرداری های کشور

- ضرورت واگذاری برخی امور شهرداریها به بخش خصوصی.

- توسعه سرمایه گذاری در مدیریت شهری.

- توسعه فضای سبز شهری.

- مدیریت پسماندهای شهری.

- آسفالت معابر و خیابانها.
- واگذاری ماشین الات به شهرداریها.
- ضرورت رعایت استانداردهای پژوهشی در هنگام ارائه طرح های مرتبط با مدیریت شهری.
- نداشتن درآمد پایدار.
- وجود ضعف در عملیات حسابداری.
- تبدیل سیستم نقدی حسابداری به سیستم تعهدی.
- عدم نظارت شورا و وزارت کشور بر شهردار و فعالیت های شهرداری بویژه نظارت بر امور مالی و اموالی.
- نداشتن برنامه های سالانه و پنج ساله بر اساس برنامه های پنج ساله کشور و سند چشم انداز کشور
- مدیریت اغلب شهرداری به دست باکفایت اشخاص متعهد و متخصص واگذار نمی شود. این امر نظارت علمی و قاطع و بی طرف سیاسی را می طلبد.
- شهرداران با حضور در بین مردم و سرکشی به آنان از نزدیک مسائل و مشکلات مردم را بررسی کنند.
- یکی از مشکلات اصلی، قرار گرفتن بخشهایی از املاک مردم به صورت معارض در مسیر احداث زیرساختها و راههای شریانی و بزرگراههایی است که عملیات اجرایی آنها از سوی شهرداری با مشکل مواجه شده است.
- گروه مطالعات اقتصادی مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری ها در اغلب شهر ها تاسیس نشده و از شاخصه های تخصصی اقتصاد، اقتصاد شهری است که در آن ارزیابی مسائل و مشکلات مناطق شهری با استفاده از ابزارهای اقتصادی بررسی می شود، استفاده نمی گردد.

چالشها و مسائل فراروی شهرداریها در نیل به جایگاه نهاد اجتماعی شهرداریها

در ایران با مسائل و مشکلاتی به صورت سنتی روبهرو هستند که بابت تأثیر از بافت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اداری سازمانهای ایرانی نیستند. افزون بر این مسائل، برخی از مهمترین چالشها و مسائلی را که امروزه به طور خاص فراروی شهرداریها قرار دارند، میتوان در سه مقوله به شرحی که در زیر خواهد آمد، دسته بندی کرد؛ چالشها و مسائلی که از یکسو ضرورت تبدیل شدن به نهادی اجتماعی و مشارکت جو را مطرح کرده و از سوی دیگر موانعی را در نیل به این هدف به وجود آورده اند. تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی چند قرن اخیر و سرعت روند و دامنه این تحولات موجب شده اند تا شهرنشینی و شهرگرایی به عنوان دو پدیده بسیار مهم مورد توجه صاحب نظران مطالعات شهری قرار گیرند. برخی برآنند که دامنه شهرنشینی به گونهای رو به گسترش است که در آینده، حیات اجتماعی دیگری به جز آن قابل تصور نیست و بنابراین مطالعات شهری نیز معنی نخواهد داشت؛ زیرا همه جا را شهر در بر گرفته است و ازاینرو هر مطالعه ای درباره پدیده های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به ناچار در شهر و درباره شهر خواهد بود.

پیشینه تحقیق

به طور کلی مرور پیشینه پژوهش، چشم اندازهای تحلیل را وسعت میدهد و محقق را با افکار متخصصان دیگر که پژوهشها و اندیشه هایشان ممکن است الهام بخش او در کار پژوهش باشند، آشنا می کند. در همین راستا، این بخش را با مرور پیشینه پژوهشهای مرتبط با موضوع پژوهش، با توجه به این موضوع که در این رابطه کارهای پژوهشی اندکی در کشور صورت گرفته است؛ دنبال میکنیم.

ارائه الگوی مناسب تقسیمات شهری بر اساس مدیریت یکپارچه (مطالعه موردی مشهد) در سال ۱۳۹۲ توسط حسین نوایی به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که شیوه های مدیریت شهری در جهان بر سه الگوی کلی منطبق است که در ایران این مدیریت بر عهده شهرداری بوده و پس از تغییرات و تحولات فراوان قانونی هم اکنون تنها یکی از عناصر تاثیرگذار در این مقوله بوده و هریک از سازمانها بخشی از این وظیفه را انجام می دهند. برخی از سازمانها و شرکتها جهت ارائه خدمات بهتر به تقسیم بندی شهر روی آورده و بر اساس معیارهای خود شهر را به چند منطقه تبدیل نموده اند. عدم هماهنگی های مختلف در این بخشها و مدیریتها معلول مدیریتهای گوناگون است و نیاز ویژه به یکپارچه سازی این مدیریتها حس می شود.

امکان سنجی تحقق مدیریت یکپارچه شهری با تأکید بر سطح تصمیم گیری (نمونه موردی شهر تهران) سیده زهره میرعبادینی در سال ۱۳۸۸ به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی نتیجه گرفته است که مدیریت یکپارچه شهری به معنای اتخاذ رویکرد کل نگرانه و طراحی سازوکارهایی جهت پیگیری رویکرد مذکور در مدیریت امور شهر است. در پژوهش حاضر، عوامل موثر بر یکپارچگی مدیریت شهری در نمونه موردی شهر تهران از طریق دو روش کمی و کیفی شناسایی شدند. یافته های روش کمی که محصول جمع آوری نظرات مدیران و کارشناسان نهاد مدیریت شهری تهران و برخی نهادهای دولتی/حکومتی است، نشان می دهد که چهار عامل شبکه نهادها و سازمانهای متعدد ذیربط مدیریت شهری، نظام و روابط قدرت بازیگران عرصه شهری، بستر قوانین و مقررات موجود شهری و همچنین زیرساخت های اطلاعاتی و ارتباطی از جمله عوامل موثر بر عدم یکپارچگی مدیریت شهری هستند.

پژوهشی با عنوان تحلیل موانع ایجاد مدیریت یکپارچه شهری با تأکید بر نقش نهادهای حکومتی (کلانشهر تهران) توسط سید علی حسین پور در سال ۱۳۹۰ به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس انجام گرفته است که وی نتیجه گرفته است که نظام مدیریت شهری ایران به سبب تمرکز در ساختار سیاسی -مدیریتی کشور نسبت به سیستمهای فرادست و نظامهای ملی و منطقه ای دارای رابطه ای خطی -عمودی و یک سویه ای است که آن را به سوی مدیریتی منفعل سوق داده است. به دنبال آن عدم فقدان انسجام کافی در تعاملات سیستمی با سطوح فرودست و داخلی آن را تبدیل به مدیریتی نامنسجم نموده است و در نهایت از نظر ابعاد محیطی نیز مدیریت شهری

ایران به دلیل عدم برخورداری از بسترهای مناسب سیاسی، اجتماعی، مالی، حقوقی و مشارکت ناکافی کنشگران اجتماعی در محیطی نامساعد در حال فعالیت است.

ضرورتها و الزامات مدیریت یکپارچه در کلانشهر تهران توسط دکتر ناصر براتی، امیر ثامنی و محمدعلی سلیماننژاد در سال ۱۳۹۰ در مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران انجام گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که با وجود اینکه ری و شمیرانات دارای هویت تاریخی مستقل می باشند اما به لحاظ کالبدی، عملکردی و هویتی وابسته به کلانشهر تهران میباشند. این پیوستگی و یکپارچگی تمام ابعاد وجودی کلانشهر تهران را شامل شده و در طول زمان یک شبکه بهم پیوسته و در هم تنیده فرهنگی - اجتماعی، مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و کالبدی بین سه شهرستان ری، تهران و شمیرانات به وجود آورده که آنها را تبدیل به یک کل واحد نموده است. در نتیجه هرگونه تفرق و جدایی از لحاظ مدیریتی به مانند جدا شدن اجزاء یک سیستم، آسیبها و صدمات جدی به پیکره کلانشهر تهران وارد آورده و نهایتاً منجر به آثار نامطلوب بر زندگی شهروندان و تضعیف نقش و جایگاه مدیریت شهری تهران در اداره آن خواهد شد. همچنین این بدعت میتواند آغازی بر تجزیه کلانشهر تهران بوده، به گونه ای که در آینده شاهد ادعاهای فزاینده جدایی دیگر قسمتها از کلانشهر تهران باشیم لذا وجود یک مجموعه یکپارچه و هماهنگ در مدیریت شهری کلانشهر تهران پیش شرط رسیدن به اهداف استراتژیک ملی و منطقه ای پیشبینی شده برای کلانشهر تهران و نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده و تقویت مدیریت شهری این کلانشهر، به عنوان ویرترین و آئینه تمام نمای نظام، متضمن ارتقاء قدرت ایران در سطح منطقه ای و بین المللی است. این مهم به نوبه خود در هرچه بهتر شدن ارائه خدمات شهری به شهروندان تاثیر مستقیم نهاده و نتیجتاً افزایش کارایی سیستم ارائه خدمات شهری باعث نیل به چشماندازهای متصور برای کلانشهر تهران خواهد شد.

شناسایی ابعاد و راهکارهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری با روش فراتلفیق عنوان پژوهش دیگری است که توسط دکتر غلامرضا کاظمیان و زهره میرعابدینی در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته است و در مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه ریزی شهری مشهد انتشار یافته است. فراتلفیق روشی برای ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته های کیفی است که نتایجی فراتر از آن چه که در تحقیقات و مطالعات فردی آشکار شده است به دنبال دارد. مدیریت یکپارچه شهری نیز مفهومی سهل و ممتنع در راستای ایجاد هماهنگی در فرایند و محتوای مدیریت شهر است. نتیجه فراتلفیق موید این امر است که بیشتر پژوهشگران اصلاح ساختار سازمانی و روابط عناصر ذیربط در مدیریت شهری و اصلاح بسترها و ابزارهای مرتبط با مدیریت شهری شامل قوانین و مقررات و توانمندی مالی شهرداریها را در تحقق مدیریت یکپارچه شهری موثر دانسته اند.

جمع بندی

شهرداریها در ایران تا نیل به جایگاه نهاد اجتماعی، فاصله زیادی دارند. نهاد اجتماعی، مجموعه ای منظم از الگوهای اجتماعی سازمان یافته و پایداری است که رفتارهای اجتماعی تثبیت یافته ای را موجب میشود و از این طریق نیازی

اساسی را از جامعه برطرف میکند. طبق این تعریف، زمانی شهرداری به یک نهاد اجتماعی بدل میشود که شهروندان، آن را جزئی جدانشدنی از زندگی شهری خود بدانند و شهرداری قادر به ایفای نقش حیاتی خود در شهر باشد. در این حالت، شهر به عنوان کلیتی یکپارچه و به هم پیوسته، به سازمانی متشکل و مقتدر با مدیریتی یکپارچه و کارآمد نیازمند است که در ادبیات نظری، ذیل مدیریت مطلوب شهری مطرح میشود. این در حالی است که مروری بر مطالعات پیرامون مشکلات شهرها و شهروندان از یکسو و مدیریت امور شهرها از سوی دیگر، نشان میدهد که سیستم مدیریتی موجود، نه اختیار لازم را برای حل مسائل خود دارد و نه از توان و سازوکار لازم برای برخورد با چالشهای فرارو برخوردار است.

بنا بر مطالعات انجام شده و نظر بسیاری از صاحب‌نظران حوزه مطالعات شهری در ایران، نظام مدیریت شهری ایران با دو مشکل ساختاری و کارکردی روبه‌رو است: در بُعد ساختاری، آنچه به وضوح مشاهده می‌شود و پژوهشهای متعددی بر آن مهر تأیید زده‌اند این است که مسائلی چون کمبود یا نبود منابع درآمدی پایدار، نظام اداری و فنی ناکارآمد و وابستگی به دولت، این نهاد را از ایفای مطلوب وظایف خود بازداشته و آنها را با مشکلات زیادی روبه‌رو ساخته است.

همچنین نامشخص بودن جایگاه مدیریت شهری و محلی در نظام مدیریت کلان کشور و ضعف قدرت و اقتدار این سطح از مدیریت، در مقایسه با سطوح دیگر مدیریتی از جمله این مشکلات است. در وضعیت موجود، نظام مدیریت شهری ایران، دچار تفرق و تعدد مراکز تصمیمگیری و اجراست و با وجود اینکه در سطح محلی، سازمانهایی چون شهرداریها و شوراهای شهر از مهمترین و مؤثرترین نهادها هستند، ولی این نهادها استقلال کافی و لازم را ندارند و اداره امور شهرها چه به لحاظ سیاستگذاری و چه به لحاظ اجرا، بهوسیله سازمانها و نهادهای متعددی نظارت، هدایت و کنترل میشوند؛ به عبارت بهتر میتوان گفت که ساختار مدیریت شهری ایران، متفرق، ناهماهنگ و چندپاره است که اجزا و عناصر آن به صورت بخشهای مجزا عمل میکنند. در میان عناصر و بخشهای مؤثر در مدیریت شهرهای کشور، تنها بخشی از آن را شوراهای اسلامی شهر و شهرداریها تشکیل می‌دهند. بخش مهمی نیز در اختیار وزارتخانهها و سازمانهای دیگر دولتی است که بدون رویکرد، برنامه و خط مشی سازگار و همسو با هم عمل میکنند؛ در نتیجه مدیریت شهری، یکپارچگی و انسجام لازم را در برنامه ریزی و اداره امور شهر دارا نیست. با توجه به وجود چنین مشکلاتی، نهادهایی چون بانک جهانی، یکی از شروط اصلی تحقق برنامه‌هایی چون بهبود مدیریت شهری و افزایش بهره‌وری شهری را بهره‌گیری از مشارکتهای عمومی و خصوصی می‌دانند؛ بنابراین عموماً به شهرداریها توصیه میشود تا در راستای حل مشکلات خویش، به انجام کارهایی بپردازند مانند مقررات زدایی و اصلاح نظام‌های حقوقی مربوط به زمین، مسکن، امور مالی، زیربنایها، خدمات و بازارهای اشتغال، تمرکززدایی از مرکز به سطح محلی و جلب مشارکت عمومی و نهادهای مدنی و بخش خصوصی در طراحی و اجرای پروژه‌ها و بهبود امور مالی.

در بُعد کارکردی نیز توفیق نیافتن مدیریت شهری و شهرداریها در اداره مطلوب شهرها و در نتیجه پایین بودن کیفیت ارائه خدمات شهری، آلودگی محیط شهری، ترافیک و سطح پایین قابلیت زندگی از مهمترین مسائل، مشکلات و چالشهای مدیریت شهری محسوب میشوند.

منابع و مآخذ

- حسینی، سیدامیرحسین، نقش تقویت زیرساختهای فرهنگی بر توسعه شهری و مدیریت شهری (هفتمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری)، دانشگاه خواجه نصیر طوسی و ششمین نمایشگاه تخصصی انبوه سازان مسکن و ساختمان استان تهران خردادماه ۱۳۹۱.
- نوروزی، حسینی. ۱۳۹۹. مدیریت شهری در کلان شهر های ایران با رویکرد اسلام، هفتمین کنفرانس ملی فناوری های نوین در مهندسی عمران. معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حسینی، سیدامیرحسین، نقش شهروندان در کنترل آسیب های اجتماعی شهر به منظور بهبود مدیریت شهری (ششمین کنگره سالانه عمران، معماری و توسعه شهری)، دانشگاه علم صنعت ایران. ۱۳۹۹.
- درآمدی به جامعه شناسی، بروس کوئن، ترجمه محسن ثلاثی.
- جامعه شناسی عمومی، دکتر منوچهر محسنی.
- مقدمات جامعه شناسی، دکتر منوچهر محسنی.
- گلشن فومنی، محمد رسول؛ جامعهشناسی سازمانها و توان سازمانی، تهران، دوران. ۱۳۹۷
- سازگارا، پروین؛ نگاهی به جامعهشناسی با تأکید بر فرهنگ، تهران، کویر، چاپ اول، ۱۳۹۷۳
- شایانمهر، علیرضا؛ دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان. ۱۳۹۷.
- پیترز، گای. نظریه نهادگرایی در علم سیاست. ترجمه فرشاد مؤمنی. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رشیدیراد، حسین. ۱۳۹۰. کارکردهای نگرش نهادی به سازمان پلیس. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هشتم، شماره ۳.

Hall, P. (2014). World Cities, Mega-Cities and Global Mega-City-Regions. In: <http://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/al6.html>.

Ohmae, K. (2012). Borderless World: Power and Strategy in the Interlinked World. New York: Harper Business

Taylor, P. J., et al. (eds.) (2011). Global Urban Analysis: A Survey of Cities in Globalization. London: Earthscan.

Scott, A. J. (2016). Global City-Regions: